

# عوامل تاثیرگذار بر مطابقه مفعولی در زبان تاتی اشتهاردی

راحله ایزدی فر

دانشجوی دکتری زبان شناسی

دانشگاه بوعلی سینا همدان

Raheleh.izadifar@gmail.com

## چکیده:

مطابقه مفعولی در زبان های دنیا یکی از شیوه های نشان دادن رابطه دستوری اجزای جمله به شمار می رود. گویش مورد بررسی در مقاله کنونی گویش مورد تکلم در شه رستان اشتهارد استان البرز از گویش های زبان تاتی جنوبی است که در گروه زبان های ایرانی نو شاخه شمال غربی قرار دارد. یارشاطر (۱۹۶۹) نظام پایه حالت نمایی در زبان تاتی جنوبی را نظام موجود در اشتهاردی می داند که در سایر گویش ها به صورت ضعیف تر باقی مانده است. مقاله کنونی به بررسی عوامل تاثیرگذار بر مطابقه مفعولی در زبان تاتی اشتهاردی می پردازد. کلمری (۱۹۸۱) ویژگی های همراه با مطابقه مفعولی در میان زبان های جهان را ویژگی هایی می داند که در انتهای بالایی یک یا چند پیوستار معرفگی، جاندار، شمار و شخص قرار داشته باشند. مطابقه مفعولی در تاتی اشتهاردی تنها در جملات متعدی دارای فعل زمان گذشته مشاهده می شود که دارای ساخت کنایی - مطلق هستند. مطابقه فعل با مفعول به لحاظ جنس دستوری با مفعول - های سرهم شخص مفرد انسان انجام می گیرد و مطابقه جنس در مورد مفعول های مفرد غیرانسان مشاهده نمی شود. پیوستار جاندار در مطابقه مفعولی در تاتی اشتهاردی نقش اصلی را ایفا می کند و مطابقه مفعولی با فعل جمله به لحاظ شخص، شمار و جنس انجام می گیرد. **واژه های کلیدی:** مطابقه مفعولی، زبان تاتی اشتهاردی، فعل های گذشته، جاندار، جنس دستوری

## ۱- مقدمه<sup>۱</sup>

در زبان های دارای مطابقه مفعولی اغلب شرایطی بر مطابقه مفعول مستقیم با فعل جمله حاکم است. این شرایط شامل عواملی از جمله معرفگی یا مشخص بودن، جاندار، شخص و شمار می باشند (کلمری ۱۹۸۱). عوامل همراه با مطابقه مفعولی در میان زبان های جهان عواملی هستند که در انتهای بالایی یک یا چند پیوستار معرفگی، جاندار، شخص و شمار قرار دارند. این مقاله به مطالعه مطابقه مفعولی در زبان تاتی اشتهاردی می - پردازد و عوامل تاثیرگذار بر آن را بررسی می کند.

۱ از اساتید ارجمند، جناب آقای دکتر محمد راسخ مهند، جناب آقای دکتر مهرداد نغزگوی کهن و جناب آقای دکتر جهان دوست سبزلعیپور که پیش نویس این مقاله را مطالعه فرمودند و نکات مفیدی را متذکر شدند، بسیار سپاس گزارم.

سوال مورد بحث در این مقاله این است که چه رابطه ای بین مطابقه مفعولی و ویژگی هایی همچون جاننداری و معرفگی در گویش مورد بررسی وجود دارد ؟ آیا تمام مفعول های این گویش با فعل جمله مطابقه دارند یا تنها گروهی از آنها ؟ فرض بر این است که بین ویژگی هایی همچون جاننداری، معرفگی، شخص، شمار و جنس دستوری از یک سو و مطابقه مفعولی از سوی دیگر ارتباط معناداری وجود دارد . در انجام این پژوهش، پیوستارهای مطرح شده در میان زبان های جهان از جمله پیوستار معرفگی، جاننداری، شخص و شمار در گویش اشتهاردی زبان تاتی بررسی شده اند تا عوامل تاثیرگذار بر مطابقه مفعولی در این گویش مشخص گردد. روش پژوهش و گردآوری داده ها، مصاحبه با گویشوران این گویش است<sup>۲</sup> و از منابع موجود همچون یارشاطر (۱۹۶۹) نیز استفاده شده است.

در بخش ۲ مقاله، مطابقه مفعولی معرفی خواهد شد و مروری بر عوامل تاثیرگذار بر مطابقه مفعولی در زبان های ایرانی شده است. در بخش ۳، وجود مطابقه مفعولی در گویش اشتهاردی زبان تاتی و عوامل تاثیرگذار بر آن بررسی شده است. بخش ۴ به نتیجه گیری اختصاص دارد.

## ۲- مطابقه مفعولی

ساختار کنایی در زبان های ایرانی با سه ویژگی شناسایی می شود که عبارتند از:  
 ۱- الف) فاعل فعل متعدی در زمان گذشته با حالت غیرفاعلی نشان داده می شود.  
 ب) مفعول فعل متعدی در زمان گذشته با حالت فاعلی نشان داده می شود.  
 ج) فعل زمان گذشته با مفعول مطابقه پیدا می کند.  
 سه ویژگی (۱- الف-ج) در مثال (۲) از زبان زازاکی دیده می شود:

2- wexto ki to āw-i šimit-ā  
 at.time that 2Sg:OBL water-F:DIR drink:Pst-F:3Sg  
 'When you drank the water [. . .]' (Paul 1998: 91)

سه ویژگی ساختار کنایی را می توان به صورت خلاصه به صورت (۳) نشان داد:

(دارای مطابقه با مفعول) فعل (دارای حالت فاعلی) مفعول (دارای حالت غیرفاعلی) فاعل (۳)

<sup>۱</sup> از آقایان مهدی خلیج، حمید ترابی و ابوالفضل سولی بیگ و سرکار خانم ملوک گنجی گویشوران تاتی اشتهاردی که در جمع آوری داده های زبانی این مقاله، نگارنده را یاری کرده اند، بسیار سپاس گزارم.

در برخی زبان‌های ایرانی در ساختار کنایی، فعل در زمان گذشته با مفعول به لحاظ شخص و شمار مطابقت می‌یابد (هیک ۲۰۰۴: ۸۰-۸۴)؛ در صورتی که در زبانی ویژگی جنس دستوری نیز وجود داشته باشد، فعل به لحاظ جنس نیز با مفعول مطابقت می‌یابد.

کامری ویژگی جاننداری را تاثیرگذار بر مطابقت فعل می‌داند و عنوان می‌کند که فعل اغلب با گروه‌های اسمی دارای جاننداری بالاتر مطابقت پیدا می‌کند و با گروه‌های اسمی دارای جاننداری پایین‌تر مطابقت پیدا نمی‌کند. برای مثال در برخی زبان‌ها همچون یونانی باستان و گرجی، گروه‌های اسمی بی‌جان جمع نمی‌توانند سبب به‌کار رفتن فعل جمع شوند و در این زبان‌ها با گروه‌های اسمی جمع دارای جاننداری پایین از فعل مفرد استفاده می‌شود. در زبان فارسی نیز مطابقت فاعلی تنها با گروه‌های اسمی جاندار به صورت اجباری است (کامری ۱۹۸۹: ۱۹۰-۱۹۱). وی پیوستار (۴) را برای ویژگی جاننداری مطرح کرده است:

(۴) پیوستار جاننداری: انسان < جاندار غیرانسان < بی‌جان

کامری ویژگی دیگر تاثیرگذار بر مطابقت مفعولی فعل در میان زبان‌های مختلف را معرفگی می‌داند که موجب می‌شود تنها گروه‌های اسمی دارای معرفگی بالا در برانگیختن مطابقت فعل با مفعول جمله موفق باشند و این مطابقت در مورد مفعول‌های دارای معرفگی پایین رخ ندهد. پیوستار (۵) معرفگی را نشان می‌دهد:

(۵) پیوستار معرفگی: مشخص < غیرمشخص

کامری (۱۹۸۹) ویژگی‌های همراه با گروه‌های اسمی دارای مطابقت مفعولی در میان زبان‌های جهان را ویژگی‌هایی می‌داند که در انتهای بالایی یک یا چند پیوستار جاننداری، معرفگی، شمار و شخص باشند، دو پیوستار جاننداری و معرفگی در بالا معرفتی شدند و پیوستار شمار و شخص نیز در (۶) و (۷) نشان داده شده‌اند:

(۶) پیوستار شمار: مفرد < جمع

(۷) پیوستار شخص: اول شخص < دوم شخص < سوم شخص

کامری (همو: ۲۱۹) بر این باور است که پیوستار جاننداری یا معرفگی نشان‌دهنده کسب یا از بین رفتن مطابقت مفعولی فعل در میان زبان‌های جهان است و زمانی که این قاعده وارد زبانی شود، اغلب نخست در مورد گروه‌های اسمی دارای جاننداری بالا به‌کار می‌رود و سپس به گروه‌های اسمی پایین‌تر در پیوستار جاننداری یا معرفگی گسترش می‌یابد و زمانی که این قاعده در شرف از بین رفتن باشد، نخست در گروه‌های اسمی دارای جاننداری پایین رخ می‌دهد.

به عنوان مثال، در زبان پارتی (پهلوی اشکانی) نیز در همه زمان‌های ماضی افعال متعدی مطابقت مفعولی وجود داشته است. از آن‌جا که در ساخت ماضی متعدی، مفعول مستقیم نقش فاعل دستوری را بر عهده داشته، فعل می‌بایست از لحاظ شخص و شمار با آن مطابقت کند (رضائی باغبیدی ۱۳۸۱: ۱۴۰)، برای مثال (همان):

8- a) u-m ēd wasnāδ imīn saxwan wāxt ahēnd...

and-by me this because of these saying:3pl said be:Pst:3pl

و من برای این، این سخنان را گفتم...

b) frōmīn filīpos kēsar kird.

رومیان فیلیپ را قیصر کردند.

the Romans Philip:3sg Cesar made:3sg  
c) grift hēm anāsāg išmagān. دیوان بی‌شمار مرا گرفتند.

seized:1sg (I)was countless demons  
در جملات (۸)، فعل با مفعول منطقی جمله مطابقه یافته است؛ در (۸-الف) باوجود آن که فاعل جمله مفرد است، فعل جمله به صورت جمع به کار رفته تا با مفعول جمع « این سخنان » مطابقه داشته باشد و در (۸-ب) علیرغم جمع بودن فاعل، فعل به صورت مفرد به کار رفته تا با مفعول مفرد مطابقه یابد. در جمله (۸-ج) نیز فعل با مفعول محذوف "من" مطابقت دارد.<sup>۳</sup>

در جملات دارای زمان حال و آینده در زبان هورامی از شاخه شمال غربی زبان های ایرانی که دارای نظام فاعلی- مفعولی با جملات اشاره به زمان حال است، فعل با فاعل جمله مطابقه پیدا می کند ( اُدن و هولمبرگ ۲۰۰۴)؛ برای مثال (همو: ۱):

9- Ahmad ma-ram-o. احمد می‌دود.

Ahmad Infl-run-3s.

در این زبان، نظام نحوی برای جملات اشاره به زمان گذشته از نظام کنایی- مطلق پیروی می کند و فعل با مفعول با پسوندی که به فعل اضافه می شود به لحاظ جنس و شخص و شمار مطابقه می یابد. تفاوت مطابقه فاعلی و مطابقه مفعولی در این زبان از آن جهت است که مطابقه فاعلی در ساخت غیرکنایی به صورت اجباری انجام می گیرد اما مطابقه مفعولی از طریق وند الحاقی به فعل اختیاری است. برای مثال (همو: ۵):

10- to=m di. و یا to=m di-e. من تو را دیدم.

you=1s saw

you=1s saw-2s

رضایتی و سبزعلیپور (۱۳۸۶) گویش های تاتی خلخال را بر اساس حفظ جنس دستوری به دو گروه تقسیم کرده اند و اظهار داشته اند که تنها در گویش هایی همچون لردی، کرینی و کجلی تمایز جنس دستوری و شمار باقی مانده است و در گویش هایی همچون دروی، گیلوانی و کهلی این تمایز از بین رفته است و از این جهت، گویش های گروه اول را دارای اصالت بیشتری می دانند. مطابقه مفعولی در گویش های تاتی خلخال تنها در گویش هایی انجام می گیرد که دارای ویژگی جنس و شمار در ساخت کنایی هستند و در آنها تمام مفعول های مستقیم در ساخت کنایی با فعل جمله مطابقه دارند؛ مطابقه مفعولی در این گویش ها مشروط به شرایط خاصی نیست و تمام فعل ها در این گویش ها به لحاظ شخص، شمار و جنس با مفعول منطقی جمله مطابقت دارند. با این حال در گویش هایی همچون کرینی نیز گاه رعایت جنس دستوری فعل و مطابقت آن با مفعول معنایی صورت نمی پذیرد که این خود نشان از فرو پاشی تدریجی این حالت در این گویش هاست ( رضایتی و سبزعلیپور ۱۳۸۶: ۹۰-۱۰۳).

<sup>۳</sup> از جناب آقای دکتر رضایی باغ بیدی برای مطالعه و تصحیح بخش مربوط به زبان پارتی مقاله حاضر سپاسگزارم.

یارشاطر (۱۹۶۰: ۲۷۹-۲۸۰) نیز شواهدی به دست داده که وجود مطابقه مفعولی در زبان تاتی گونه روستای کجل را نشان می‌دهد، در مثال ۱۱ فعل زمان گذشته با مفعول جمله به لحاظ شخص و شمار و جنس دستوری مطابقت دارد:

- 11- a) mardak-i žaneg-i-a behindā. یک مرد یک زن را دید.  
 man-Obl woman-Ind-F see:3sg.F  
 b) mardak-i Mammad behind(e). یک مرد محمد را دید.  
 man-Obl Mohammad see:3sg.M

در تاتی کجلی، مطابقه مفعولی در جملات دارای فعل زمان حال نیز وجود دارد (همان):

- 12- a) čame-rā i quč-i este. من یک قوچ (گوسفند نر) دارم.  
 I- DIR. one male sheep-OBL is(have):3sgM  
 b) čame-rā i pas-i-a estā. من یک گوسفند (ماده) دارم.  
 I- DIR. one female sheep-OBL-F is(have):3sgF

این بخش به تعریف مطابقه مفعولی و وجود آن در زبان‌های ایرانی و عوامل تاثیرگذار بر آن اختصاص داشت. بر اساس مباحث مطرح شده در مورد عوامل تاثیرگذار بر مطابقه مفعولی در زبان‌های جهان و بخصوص زبان‌های ایرانی در بخش بعد به بررسی مطابقه مفعولی در گویش اشتهاردی زبان تاتی می‌پردازیم.

### ۳- مطابقه مفعولی در گویش اشتهاردی زبان تاتی

گویش اشتهاردی همراه با گویش‌های تاکستانی، چالی، سگزآبادی و ... در گروه گویش‌های جنوبی رایج در جنوب قزوین قرار داده شده است که از گویش‌های آذری هستند که در محل به آنها تاتی گفته می‌شود و خود از گویش‌های شمال غربی ایران به شمار می‌روند (اشمیت ۱۳۸۳: ۴۹۰-۴۹۸). یارشاطر (۱۹۶۹) نیز گویش اشتهاردی را در گروه تاتی جنوبی قرار داده است. نظام حالت در زبان تاتی به صورت کنایی گسسته است که در زمان حال از نظام فاعلی- مفعولی و در زمان گذشته از نظام کنایی- مطلق پیروی می‌کند. در تاتی اشتهاردی، تقابل جنس دستوری ( مذکر و مونث ) و شمار ( مفرد و جمع ) وجود دارد و نظام حالت دوتایی ( فاعلی و غیرفاعلی) است. یارشاطر (۱۹۶۹) نظام حالت‌نمایی پایه در زبان تاتی جنوبی را نظام ذکرشده در اشتهاردی می‌داند که در سایر گویش‌ها به صورت ضعیف‌تر وجود دارد.

اشمیت نیز به صورت گذرا به مطابقه مفعولی در گویش‌های آذری اشاره کرده اما شرایط آن را بیان نکرده: " هنگامی که مفعول مطلق جمله به صورت جمع آمده باشد، فعل می‌تواند با آن مطابقت کند؛" برای مثال در هزاررودی men o-m-e bezande « من آن‌ها را زدم » و یا در اشتهاردی Hasan-e lazak-ehā bezandi « حسن بچه‌ها را زد » (اشمیت ۱۳۸۳: ۵۰۱).

مطابقه مفعولی در تاتی اشتیاردی تنها در جملات دارای زمان گذشته مشاهده می شود که دارای ساخت کنایی - مطلق هستند و در این ساخت، فاعل با حالت غیرفاعلی نشان داده می شود و مفعول مستقیم منطقی جمله دارای حالت فاعلی است. در تاتی اشتیاردی مطابقه مفعول با فعل به لحاظ شخص انجام می گیرد:

- 13- a) *čemen te bebardeš.* من تو را بردم.  
 1sg:Obl 2sg:Dir took:2sg  
 b) *jiyun te bebardeš.* آنها تو را بردند.  
 3pl:Obl 2sg:Dir took:2sg  
 c) *čemen Ahmad buind.* من احمد را دیدم.  
 1sg:Obl Ahmad:3sg.Dir saw:3sg  
 d) *ešta Ahmad buind.* تو احمد را دیدی.  
 2sg:Obl Ahmad:3sg.Dir saw:3sg  
 e) *Ahmad-e Hasan buind.* احمد حسن را دید.  
 Ahmad-Obl. Hasan:3sg.Dir saw:3sg

فاعل در مثال اول من و در مثال دوم آنها است، با این حال فعل تغییری نکرده و با مفعول دوم شخص مفرد مطابقت دارد. در مثال سوم نیز فاعل من، در مثال چهارم فاعل تو و در مثال پنجم احمد است اما فعل با هر سه فاعل به دلیل مطابقه با مفعول جمله به یک صورت به کار رفته است و این نشان می دهد که در این ساخت در زبان تاتی اشتیاردی فعل با مفعول مطابقه دارد.

مطابقه مفعول با فعل به لحاظ شخص در مورد مفعول های جاندار غیرانسان نیز رخ می دهد:

- 14- a) *ahmad-e gesbend bebard.* احمد گوسفند را برد.  
 Ahmad-Obl sheep-3sg.Dir took:3sg  
 b) *čamā kuftar bekešt.* ما کبوتر را کشتیم.  
 we:Obl pigeon:3sg.Dir killed:3sg  
 در هر دو مثال بالا فعل با مفعول سوم شخص مفرد مطابقه یافته است و در مثال دوم نیز علیرغم جمع بودن فاعل، فعل برای مطابقه با مفعول جمله به صورت مفرد به کار رفته است.  
 مطابقه مفعول با فعل به لحاظ شخص با مفعول های بی جان نیز انجام می گیرد:

- 15- a) *āš-em bexārd.* آش را خوردم.  
 Ash-Cli ate:3sg  
 b) *asbe/ asbuun varg bexārd.* اسب/ اسب ها برگ را خورد/ خوردند.  
 horse/horses leaf:3sg ate:3sg

فعل در هر دو مثال بالا به یک صورت است و این بدان علت است که در هر دو جمله با وجود متفاوت بودن فاعل‌های این دو جمله یعنی من در مثال اول و اسب یا اسب‌ها در مثال دوم، فعل با مفعول سوم شخص مفرد مطابقت می‌یابد.

مطابق فعل با مفعول به لحاظ جنس با مفعول‌های سوم شخص مفرد انسان انجام می‌گیرد:

16- a) Hasan-e a lazak beza. حسن آن بچه (مذکر) را زد.

Hasan-Obl that boy:3sg.M. hit:3sg.M.

b) Hasan-e ā lazak-a beziya. حسن آن بچه (مونث) را زد.

Hasan-Obl that girl:3sg.F. hit:3sg.F.

مطابق جنس در مورد مفعول‌های مفرد جاندار غیرانسان اغلب انجام نمی‌گیرد (پارشاطر ۱۹۶۹: ۲۳۷). برای مثال (همان):

17- gorg-e miša-š / quč-eš beza. گرگ گوسفند (ماده) / گوسفند (نر) را زد (خورد).

wolf-Obl ewe-Cli / ram-Cli hit:3sg

مطابق فعل با مفعول سوم شخص غیرانسان به لحاظ جنس انجام نمی‌گیرد:

18- a) Ahmad-e nun bāvard. احمد نان (مذکر) را آورد.

Ahmad-Obl bread:3sg.M. brought:3sg

b) Ahmad-e čua bāvard. احمد چوب (مونث) را آورد.

Ahmad-Obl wood:3sg.F brought:3sg

مطابق مفعولی با فعل به لحاظ جنس تنها در مورد مفعول‌های انسان رخ می‌دهد که در انتهای بالایی پیوستار جاندار قرار دارند.

در صورتی که مفعول مستقیم منطقی جمله انسان باشد، به لحاظ شمار با مفعول مستقیم منطقی مطابقت دارد:

19- a) gərg-e zeniy-a benjind. گرگ زن را درید.

wolf-Obl woman-F. tore:3sg.F.

b) gərg-e zeniy-ehā benjindend. گرگ زن‌ها را درید.

wolf-Obl woman-Pl tore:3Pl

c) Hasan-e a titiyakā / furiyakā bezandi. حسن آن دخترها / پسرها را زد.

Hasan-Obl that girls / boys hit:3Pl

مفعول‌های مستقیم جاندار غیرانسان در طیف جاندار بین دو گروه انسان و بی جان واقع هستند و به لحاظ شمار به هر دو صورت دارای مطابقت و بدون مطابقت به کار می‌روند:

20- a) *gərg-e-un esba benjind.* گرگ‌ها سگ را دریدند.

*wolf-Obl-PL. dog-F. hit:3sg.F.*

b) *gərg-e-un esba-hā benjindend.* گرگ‌ها سگ‌ها را دریدند.

*wolf-Obl-Pl. dog-Pl. hit:3Pl.*

در مثال (۲۰-الف) علی‌رغم جمع بودن فاعل جمله، فعل با مفعول مفرد مطابقه دارد و به صورت مفرد مونث به-کار رفته است و در مثال دوم فعل به صورت جمع به کار رفته است و با توجه به ثابت بودن فاعل در مثال اول و دوم می‌توان نتیجه گرفت که فعل با مفعول جمله مطابقه دارد. با این حال، مطابقه مفعولی در مورد تمام مفعول‌های جاندار غیرانسان انجام نمی‌گیرد و در برخی موارد، هر دو گونه با مطابقه و بدون مطابقه به کار می‌روند و در برخی موارد تنها یکی از این گونه‌ها از نظر گویش‌وران صحیح است. برای مثال:

21- a) *Hasan-e gāv-ahā bekešt/bekešdend.* حسن گاوها(ماده) را کشت.

*Hasan-Obl cow-Pl. killed:3sg/3Pl*

b) *Hasan-e a pira jinga-hā bekešdend.* حسن آن گاوه‌ای (نر) پیر را کشت.

*Hasan-Obl that old ox-Pl. killed:3Pl*

در مثال اول هر دو گونه فعلی دارای مطابقه با مفعول جمع و بدون مطابقه با مفعول از نظر گویش‌وران اشتها‌ردی قابل قبول هستند، گرچه صورت بدون مطابقه رایج‌تر است. در مثال دوم تنها فعل دارای مطابقه قابل قبول است که فعل با مفعول جمع مطابقه دارد.

مطابقه مفعولی در مورد مفعول‌های مستقیم بی‌جان که در انتهای طیف جانداري واقع هستند وجود ندارد و فعل با مفعول جمع به صورت مفرد به کار می‌رود:

22-a) *Maryam-ā čua/ čuā bāvard.* مریم چوب / چوب‌ها را آورد.

*Maryam-Obl wood/woods brought:3sg*

b) *Hasan-e a nua pirhan/pirhan-ā argard.* حسن آن پیراهن/پیراهن‌های جدید را خرید.

*Hasan-Obl that new shirt/shirt-Pl bought:3sg*

c) *gərg-e / gərg-e-un kise-hā benjind.* گرگ / گرگ‌ها کیسه‌ها را درید/ند.

*wolf-Obl/wolf-Obl-PL. bag-PL. tore:3sg*

معرفه یا نکره بودن در مطابقه یا عدم مطابقه فعل با مفعول در ساخت کنایی در تاتی اشتها‌ردی تاثیری ندارد و شرایط ذکرشده در بالا بدون توجه به معرفه یا نکره بودن مفعول انجام می‌گیرد.

23- a) *Hasan-e lazak beza.* حسن پسری را زد.

*Hasan-Obl boy:3sg.M hit:3sg.M*



b) Hasan-e a lazak beza. حسن آن بچه را زد.

Hasan-Obl that boy:3sg.M hit:3sg.M

c) i gāv-am buind. من یک گاو دیدم.

one cow-Cli saw:3sg

d) čemen gāv-am buind. من گاوم را دیدم.

1sg:Obl cow-Cli saw:3sg.

در مثال های اول و سوم مفعول نکره است و در مثال های دوم و چهارم مفعول معرفه است، با این حال فعل جملات اول و دوم یکسان است و فعل جملات سوم و چهارم نیز یکسان است و این نشان دهنده عدم تاثیر معرفه یا نکره بودن مفعول بر مطابقه یا عدم مطابقه در این گونه جملات است.

با توجه به مثال های ارائه شده در مورد مطابقه مفعولی در گویش تاتی اشتهاردی می توان دریافت که ویژگی جاننداری بر مطابقه مفعولی در این گویش تاثیرگذار است و فعل در جملات دارای ساخت کنایی در زمان گذشته به لحاظ شخص، شمار و جنس دستوری با مفعول های انسان که در بالای پیوستار جاننداری قرار گرفته اند مطابقت دارد و مطابقه مفعولی در مورد مفعول های بی جان که در پایین پیوستار جاننداری هستند انجام نمی شود و برای مفعول های جاندار غیرانسان که بین دو گروه هستند تن ها در برخی موارد مطابقه انجام می شود و در برخی موارد نیز هر دو صورت دارای مطابقه و بدون مطابقه صحیح هستند. پیوستار زیر بر این اساس پیشنهاد شده است:

پیوستار ۱ : مطابقه مفعولی بر اساس پیوستار جاننداری در تاتی اشتهاردی

مطابقه اجباری : مطابقه فعل با مفعول انسان

مطابقه اختیاری: مطابقه فعل با مفعول غیر انسان

عدم مطابقه: مطابقه فعل با مفعول بی جان

#### ۴- نتیجه گیری

این مقاله به بررسی مطابقه مفعولی در گویش اشتهاردی زبان تاتی اختصاص دارد و به مطالعه عوامل تاثیرگذار بر مطابقه مفعولی در این گویش می پردازد. طیف جاننداری در مطابقه مفعولی در تاتی اشتهاردی نقش اصلی را ایفا می کند؛ در صورتی که مفعول ساخت کنایی انسان باشد، مطابقه فعل با مفعول به لحاظ شخص، شمار و جنس دستوری انجام می گیرد. در صورتی که مفعول بی جان باشد، مطابقه فعل با مفعول به لحاظ شخص انجام

می‌شود اما بر اساس شمار و جنس انجام نمی‌گیرد. گروه جانداران غیرانسان در پیوستار جاننداری بین دو گروه انسان و بی‌جان قرار دارد و مفعول‌های این گروه در بعضی موارد به هر دو صورت دارای مطابقه و بدون مطابقه به کار می‌روند و در برخی موارد در این گروه مطابقه انجام نمی‌گیرد. تعمیم کامری (۱۹۸۹: ۲۱۹) که پیوستار جاننداری یا معرفگی نشان دهنده کسب یا از بین رفتن مطابقه مفعولی فعل در میان زبان‌های جهان است در گویش تاتی اشتهاردی صدق می‌کند و در این گویش، عدم مطابقه مفعولی در مورد مفعول‌های بی‌جان نشان از آغاز از بین رفتن مطابقه مفعولی در این گویش است که با گروه‌های اسمی بی‌جان در پایین پیوستار جاننداری آغاز گشته و اکنون در حال گسترش به گروه اسم‌های جاندار غیرانسان است که مطابقه جنس دستوری را نشان می‌دهند اما مطابقه به لحاظ شمار در این گروه دیگر انجام نمی‌گیرد.

## ضمیمه

کوتاه‌نوشته‌های مورد استفاده در آوانگاری‌ها:

Cli	clitic	واژه بست
DIR	direct	حالت فاعلی
F	feminine	مونث
M	masculine	مذکر
OBL	oblique	حالت غیرفاعلی
Pl	plural	جمع
Sg	singular	مفرد

## منابع

اشمیت، رودیگر (۱۳۸۳). *راهنمای زبان‌های ایرانی*. ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، جلد ۲، تهران: ققنوس. رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهان‌دوست سبزلعلی‌پور (۱۳۸۶). «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال»، *مجله ادب‌پژوهی*، شماره اول، صص ۸۹-۱۰۵.

رضائی باغبیدی، حسن (۱۳۸۱). *دستور زبان پارسی (پهلوی/اشکانی)*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار.

Comrie, Bernard (1989). *Language universals and linguistic typology*. Chicago: University of Chicago Press.

Croft, W. (2003). *Typology and Universals*, 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press.

Haig, Geoffrey (2004). *Alignment in Kurdish: a diachronic perspective*. Kiel: Christean-Albrechts Universität.

Holmberg, Anders and David Odden (2004). *"Ergativity and Role-Marking in Hawrami"*. Leipzig: Max Plank Institute.

Paul, Ludwig (1998) *Zazaki. Grammatik und Versuch einer Dialektologie*. Wiesbaden: Reichert.

Yar-Shater, Ehsan (1960). "The Tati Dialect of Kajal", *BSOAS*, 23, Pp. 275- 286.

Yar-Shater, Ehsan (1969). *A Grammar of Southern Tati Dialects*. Paris, Mouton: The Hague.